



## مخاطب‌شناسی آیاتی از قرآن

شهریارانو حاجی امیری

### چکیده

در عصر حاضر، کتب تفسیری متعددی با گرایش‌های مختلف، در دسترس می‌باشد. اما برای غنی ساختن محتوای پژوهش‌های تفسیری، ضروری است که رویکردهای جدید به مباحث تفسیری گسترش بیشتری یافته و با جزئی نمودن موضوعات، به طور کاملاً تخصصی وارد حوزه تفسیر قرآن شد.

مقاله حاضر، ابتدا به معنی‌شناسی (شک) و (مریة) که از واژگان کلیدی بحث است، پرداخته و سپس با بررسی نظرات مفسرین شیعه و سنی ذیل آیات محل بحث و طبقه‌بندی آنها، به جمع‌بندی و ارائه نتیجه نهایی پیرامون مخاطب‌آیه می‌پردازد.

از یافته‌های پژوهشگر در این مقاله این است که نیاز به شناخت مخاطب‌آیه در بعضی از آیات به طور جدی مطرح می‌گردد، چرا که بعضی آیات شالوده‌اعتقادی ما را شکل داده و فهم ناصحیح از محتوای آیه و عدم تطبیق درست آیه بر مخاطب آن، باعث شکل‌گیری اعتقادات ناصحیح در ذهن ما می‌گردد.

واژگان کلیدی: شک - مریة - خطاب آیه

### مقدمه

در سلسله بحث‌های تفسیری، (مخاطب شناسی آیات) از رویکردهای جدیدی است که به طور خاص، وارد فضای آیه شده و جوانب مختلف آیه اعم از معنا شناسی مفردات آن، شان نزول آیه و تفسیر آن را بررسی نموده تا به نگاهی صحیح پیرامون مخاطب آیه دست یابد.

معرفت مخاطب حقیقی آیه نقش بسیار مهمی در بهره‌گیری از قرآن دارد و دیدگاه‌های اعتقادی و معرفتی ما را شکل می‌دهد؛ به عنوان مثال، برای دریافت پیام‌های تکلیفی قرآن همچون وجوب، استحباب، کراهت و هم‌چنین پیام‌های اخلاقی و تاریخی و نصایح قرآن می‌بایست. مخاطب آیه را به درستی شناخت، تا بتوان دریافت صحیحی از پیام آیه داشت.

### معنا شناسی واژه‌های «شک» و «مریه»

#### واژه شک:

عده‌ای از اهل لغت «شک» را همان «ارتیاب» و «ریب» می‌دانند که خلاف یقین است. و در واقع، «شک» نقیض یقین است.<sup>۱</sup> اما در بررسی ریشه این واژه میان اهل لغت اختلاف نظر وجود دارد. به عنوان مثال، «فراهیدی» فقط یک احتمال درباره اصل این واژه، مطرح می‌کند و معتقد است: شک از (شککت بالرمح) آید خرخته می‌باشد یعنی «شک» همان ایجاد پارگی در شیء است.<sup>۲</sup>

اما «راغب اصفهانی» پیرامون ریشه «شک» دو احتمال را مطرح می‌کند: الف: از (شککت الشیء) به معنی پاره کردن باشد، چرا که «شک» نوعی پارگی در امر است به گونه‌ای که رأی ثابتی در آن نباشد و نتوان بر آن اعتماد کرد. ب: برگرفته از «شک» باشد که همان چسباندن بازو به پهلو و کمر است و دلیل آن، این است که دو امر نقیض به هم چسبیده‌اند و جایی برای فهم در آن نیست که در آن میان فاصله اندازد. (جلوی تردید را بگیرد).

که عده‌ای از این معنی اخیر به «ضیق و تنگی» تعبیر نموده‌اند.<sup>۳</sup>

تحلیل پژوهشگر این است که بهترین معنا برای «شک» همان معنای «خرق» و پارگی است. چون در واقع در «شک» میان رشته علم ما به یک شیء پارگی ایجاد شده و با این شکاف، علم ما دچار «شک» و عدم ثبات می‌شود.

#### واژه مریه

واژه «ممتزین» در آیه شریفه ۹۵ سوره یونس از «مری» اخذ شده است.

فراهیدی، «مریة» را از «مری» دانسته و می‌گوید:

(مری: أرأت الناقه إذا ضربها أنها أقرب و أنزلت و هی مرأی) یعنی: شتر را دوشیدم

چرا که پستانش پر شده و نزدیک بود که جاری شود.<sup>۴</sup>

«راغب اصفهانی» نیز «مریه» را از «مرئت الناقه» می‌داند و معتقد است «مریة» تردید

در امر است و اخص از «شک» می‌باشد.<sup>۵</sup>

ابن منظور نیز به مانند دیگر لغویون، «مریه» را معنا نموده و معتقد است: «مریة» و

«مریه» همان «شک» و «جدل» است. و «امتراء فی الشیء» را همان «شک» و تردید در

امر می‌داند.<sup>۶</sup>

برداشت ما این است که «مریه» از «أرأت الناقه» اخذ شده است و ربط میان «شک» و

تردید با «مرأی» آن است که در شیر دوشیدن دست از بالا به طرف پایین کشیده می‌شود و

دوباره بر می‌گردد و این کار چند بار تکرار می‌شود، و این امر در تردید هم وجود دارد

چون «شک» و دودلی در مورد یک امر حالت ارتجاعی داشته و انسان تا مرحله یقین پیش

رفته و دوباره به «شک» قبلی بر می‌گردد. و در واقع «مریه» نوعی خاص از «شک» است.

#### طرح آیات محل بحث:

يعتذرون اليكم اذا رجعتم اليهم قل لا تعتذروا لن نؤمن لكم قد بنا الله من اخباركم و

سیری الله عملکم و رسوله ثم تردون الى عالم الغيب و الشهادة فينبئکم بما کنتم

تعملون. سيحلفون بالله لكم اذا انقلبتم اليهم لتعرضوا عنهم فاعرضوا عنهم انهم رجس و

ماويهم جهنم جزاء بما كانوا يكسبون. (توبه، ۹۴/۹-۹۵)

و اگر از آنچه بر تو نازل کردیم در تردید هستی، از کسانی که از پیش از تو کتاب

آسمانی را خوانده اند، پرس و جو کن، بی شبهه حق از سوی پروردگارت بر تو نازل شده

است، پس هرگز از دو دلان مباش. و از زمره دروغ انگاران آیات الهی مباش که از زیانکاران

خواهی شد. ۷

### بررسی مخاطب و محتوای آیات محل بحث

مفسران در ذیل آیات ۹۴ و ۹۵ سوره «یونس» وارد بحث مخاطب شناسی در این آیات شده اند تا در پرتو آن به یک تفسیر صحیح از آیه برسند.

اقوال مفسران پیرامون مخاطب آیه ها در دو بخش اصلی به همراه احتمالاتی مطرح است که در این مجال به ارائه این اقوال می پردازیم.

دو دسته اصلی عبارتند از:

الف: گروهی خطاب در آیه را به پیامبر (ص) می دانند.

ب: گروهی دیگر از مفسران معتقدند خطاب به پیامبر (ص) نبوده بلکه خطاب عمومی

است.

مفسران دسته اول همگی خطاب را به پیامبر (ص) می دانند ولی در نحوه اسناد خطاب

به آن حضرت، دیدگاههای مختلفی دارند.

### اقوال مفسرین دسته اول:

۱. مفسران در این گروه قائلند خطاب در آیه به پیامبر (ص) است ولی مراد آن متوجه

غیر او از امتش می باشد. و در واقع خطاب آیه از نوع ضرب المثل «ایاک أعنی و اسمعی یا جاره»، که در میان عرب رایج بوده، می باشد.

«فیض کاشانی» در تفسیر «صافی» ذیل آیات محل بحث پس از ذکر روایاتی چند،

نظر خود را پیرامون آیه چنین بیان می کند: خطاب در آیه از نوع (ضرب المثل) «ایاک أعنی

و اسمعی یا جاره می باشد. ۸

حویزی در تفسیر نورالثقلین به نقل از کتاب شرائع حدیثی را با واسطه از علی بن

محمد (ع) نقل می کند که در پاسخ به این سوال که مخاطب آیات ۹۴ و ۹۵ سوره یونس

کیست و اگر مخاطب در آنها پیامبر (ص) است، که او در آنچه به او نازل می شد، در شک

نبود و اگر مخاطب غیر اوست، مگر بر آنان چیزی نازل می شده؟ می فرمایند:

در این آیه مخاطب رسول خدا است و او در شک نبود، بلکه جاهلان گفتند: چرا

به سوی ما پیامبری از ملائکه نمی‌آید، چرا که فرقی نیست میان پیامبر ما و غیر او در بی‌نیازی از خوردن و نوشیدن و راه رفتن در بازارها، در این جا بود که خداوند به رسولش وحی نمود که پیرس از اهل کتاب که قبل از تو اهل قرائت کتاب بوده اند به اینکه آیا رسولی بر آنها فرستاده نشد مگر آنکه طعام می‌خورد و در بازارها راه می‌رفت و برای آنها اسوه و رهبر بود؟<sup>۹</sup>

صاحب تفسیر نورالثقلین در ادامه، تأییدات قرآنی بر این قول را هم می‌آورد. و معلوم می‌گردد خودش نیز قائل بوده که خطاب در آیه به پیامبر (ص) است، ولی مراد غیر اوست. ابن عطیه در تفسیر المحرر الوجیز رأی صواب در آیه را این گونه می‌داند که: صحیح آنست که خطاب در آیه به پیامبر (ص) است و مراد به آن غیر او می‌باشد، حال هر که امکان دارد که شک کند یا آنکه معارضه نماید.<sup>۱۰</sup> ماوردی نیز در تفسیر النکت والعیون پیرامون خطاب در آیه دو وجه را مطرح می‌کند: الف: خطاب به پیامبر (ص) است و مراد بدان امت اوست، همان گونه که خداوند فرموده:

**یا ایها النبی اذا طلقتم النساء.** (طلاق، ۱/۶۵) ای پیامبر! آن زمان که زنان را طلاق دادید. ب: خطابی است که بر عادت عرب جاری گشته است و آنها برای ایجاد پذیرش یک امر و آگاهی دادن بر اسباب طاعت مثل‌هایی دارند از قبیل کلام یک مرد به پسرش که اگر تو پسر من هستی، پس به من نیکی کن. که در این مورد، فرزند هیچ شکی در اینکه فرزند پدرش است، ندارد بلکه برای تقریر و فهماندن این کلام از سوی پدر گفته شود.<sup>۱۱</sup> قابل ذکر است به دلیل تقدیمی که ماوردی برای نظر اول قائل شده و هم چنین شاهد مثال قرآنی برای آن می‌آورد، معلوم می‌گردد احتمالاً خودش به نظر اول متمایل بوده است.

قرطبی در الجامع لأحكام القرآن خطاب در آیه را متوجه پیامبر (ص) دانسته ولی مراد بدان را متوجه غیر او می‌داند و می‌گوید: معنای آیه این گونه است: لست فی شک و لکن غیرک شک؛ یعنی تو در شک نیستی بلکه غیر تودر شک هستند.

وی کلام خود را به کلام ثعلب و مبرد مستند کرده و قول آن دو را ذیل آیه می‌آورد.

وی خطاب در آیه ۹۵ سوره یونس را از همین قبیل می‌داند. ۱۲  
ثعالبی نیز در تفسیر خود معتقد است: نظر صحیح در معنی آیه این است که خطاب در آیه به پیامبر (ص) و مراد بدان غیر او از امتش می‌باشد از هر که ممکن است شک کند یا به معارضه برخیزد. ۱۳

۲. عده دیگری از مفسرین در تعیین مخاطب آیه از قواعد ادبی سود برده و اظهار می‌دارند، «إن» موجود در ابتدای آیه ۹۴ سوره یونس، شرطیه بوده، و قضیه «شرطیه» محقق الوقوع نیست، بدین معنی که در یک قضیه شرطیه، فعل شرط الزامی برای وجود ندارد و این قضیه به صورت انتزاعی مطرح شده و می‌گوید: اگر در فعل شرط محقق شود، جواب شرط حتما در پی آن خواهد آمد.

این مفسرین، شک در آیه را بر سبیل فرض و تقدیر گرفته‌اند، که عمده‌قائلین این احتمال از اهل سنت بوده‌اند.

ابی حیان اندلسی در مقدمه تفسیر خود البحر المحیط می‌گوید:

ظاهر کلام این است که «ان» شرطیه مقتضی تعلیق شیء نیز نمی‌باشد، بلکه گاه پیش می‌آید که مستلزم امر محال گردد. مانند آیه زیر:

قل ان كان للرحمن ولدًا فأنا اول العابدین. (زخرف، ۸۱/۴۳) بگو اگر برای خدای رحمان فرزندی بود، من خود نخستین پرستنده بودم.

همان گونه که در آیه فوق محال است که برای خداوند فرزندی باشد، هم چنین برای پیامبر (ص) هم محال است که در شک باشد.

وی معتقد است چون این وجه در آیه بر مردم پوشیده مانده، به این تفسیر که خطاب در آیه به پیامبر (ص) و مراد غیر اوست، روی می‌آورند. ۱۴

ابی السعود نیز شک در آیه را بر فرض تقدیر گرفته و معتقد است که مضمون شرطیت همانا تعلیق یک شیء بر شیء دیگر است بدون آنکه متعرض امکان یکی از دو طرف باشد، و حتی گاه پیش می‌آید دو طرف قضیه شرطیه ممتنع الوجود هستند مانند قول خداوند در آیه ۸۱ سوره زخرف (که ذکر آن گذشت).

وی ذیل آیه ۹۵ می‌گوید:

خداوند به پیامبرش گفته: با تزلزل از آنچه تو بر آن جزم و یقین داری، از شک

کنندگان مباش و بر آنچه بدان اعتقاد داری، پایدار باش. ۱۵.  
فخر رازی در تفسیر الکبیر به طور مبسوط زوایای این دو آیه را بررسی نموده و اقوال  
مختلف به همراه شواهد آنها را آورده است. وی در بین این اقوال با تعبیر اقول نظر خود را  
اظهار کرده و می‌گوید:

شک لازم الوقوع نیست و در آیه دلالتی بر وقوع شک وجود ندارد و فقط آیه  
می‌گوید: ماهیت این شرط مستلزم ماهیت آن جز است. همین و بس.

وی فائده نزول آیه را چنین می‌داند:

فائده نزول آیه تکثیر دلائل و تقویت این دلائل در آنچه که نیروی یقین را افزایش می  
دهد و بر آرامش نفس می‌افزاید. ۱۶.

آلوسی در روح المعانی آورده است:

قولی است که معتقد است خطاب در آیه ۹۴ سوره یونس به پیامبر (ص) است و  
مراد آن اینست که اگر به طور فرض و در تقدیر بر شک هستی، چنان کن، چرا که  
شک از سوی پیامبر (ص) قابل تصور نیست زیرا پوشش و حجاب برای او برداشته  
شده و حقیقت را می‌بیند.

وی می‌گوید:

همان گونه که از ظاهر آیه بر می‌آید، صدق شرطیت متوقف بر وقوع آن نیست و  
مراد آیه استدلال به حقایق قرآن نازل شده بر پیامبر (ص) و استشهاد به آنچه در

کتب پیشین بوده، می‌باشد. ۱۷.

۳. از دیگر اقوالی که طرفداران کمتری را به خود اختصاص داده و در لابلای کتب  
تفسیر ردی از آنها بر جای مانده، می‌توان به این قول که خطاب در آیه به پیامبر (ص) بوده و  
به قصد تقریر و افهام صورت پذیرفته، اشاره نمود. مفاد این قول به اجمال در بعضی از  
تفاسیر آمده است که در ذیل بدان اشاره می‌شود:

طبرسی این قول را به نقل از فراء و غیر او در مجمع البیان آورده است که بیان آن بدین  
شرح است.

خطاب در آیه به رسول خدا (ص) است هر چند او شک نمی‌کرده و خداوند  
می‌دانست که او در شک نبود، ولیکن کلام به قصد تقریر در افهام صادر گردیده،

همان گونه که شخصی به بنده اش می گوید: اگر تو بنده من هستی، پس مرا اطاعت نما و... و چه بسا این آیه در مقام مبالغه در امر محال است مانند این قول: آسمان بر مرگ فلانی گریست؟ یعنی اگر آسمان بر مرگ میتی بگرید، حتما بر این شخص خواهد بود. و معنی آیه در اینجا این گونه می شود: اگر تو از آن کسانی بودی که شک می کنند و در پی آن شک می نمودی، آنگاه از اهل کتاب باید پرسیدی؟<sup>۱۸۴</sup>

قابل ذکر است که فخر رازی نیز در تفسیر خود به عنوان احتمال دوم در آیه، این قول را مطرح می کند و می گوید: قائلان این نظر، آیه ۹۴ سوره یونس را هم چون قول خداوند در:

أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمَّي الْهَيْبِنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ . (مائده، ۵/ ۱۱۶) و آنگاه خداوند گوید ای عیسی بن مریم آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را هم چون دو خدا به جای خداوند پرستید؟

می دانند که مراد خداوند این بوده که عیسی (ع) برائت خود را اظهار نماید.<sup>۱۹</sup>  
۴. گروهی از مفسران معتقدند که خطاب در آیه امکان وقوع شک برای او را اثبات نمی کند و آیه برای تهییج رسول (ص) و فزونی تثبیت اوست. از جمله قائلان این نظر می توان به صاحب تفسیر بیضاوی اشاره کرد که می گوید:

شک در آیه بر سبیل فرض و تقدیر است و مراد آیه آن است که قرآن، مصدق کتب انبیای پیشین است یا آنکه مراد آیه تهییج رسول (ص) و فزونی تثبیت اوست. و به هیچ روی وقوع شک از او را ثابت نمی کند و برای همین پیامبر (ص) فرمود: شک نمی کنم و نمی پرسم.

وی در ادامه می گوید:

آیه تنبیهی است به اینکه هر که شبهات دینی در او خلجان و شدت یافته، باید به اهل علم مراجعه کنید.

وی آیه ۹۵ سوره یونس را نیز از باب تهییج و تثبیت و قطع طمع از پیامبر (ص) دانسته است.<sup>۲۰</sup>

۵. عده ای از مفسران روایی ذیل آیه های محل بحث با استفاده از شأن نزول آیه به



تعیین مخاطب و محتوای آیه می پردازند که از آن جمله می توان به صاحب تفسیر فرات کوفی، در شیعه اشاره نمود.

وی حدیثی را به طور معنعن از زرارة بن أعین نقل می کند که:

از ابی جعفر<sup>(ع)</sup> پرسیدم: تفسیر آیه ۹۴ سوره یونس چگونه است؟ و اینکه آنان چه کسانی هستند که پیامبر<sup>(ص)</sup> در این آیه امر شده که از آنان پرسد؟  
امام<sup>(ع)</sup> فرمودند: رسول خدا<sup>(ص)</sup> وقتی به آسمان معراج کرد، در آسمان چهارم بود که خداوند پیامبران و صدیقین و ملائکه را جمع نمود و جبرئیل امر به گفتن اذان شد و رسول خدا<sup>(ص)</sup> در جلوی جمع قرار گرفت و همگان در پشت او نماز گزارند، وقتی نماز به پایان رسید، از آنها پرسیده شده به چه کسی شهادت داده اید؟

گفتند: شهادت می دهیم که خدایی جز خدای ما نیست و اینکه تو رسول خدا هستی و علی<sup>(ع)</sup> امیر مومنان است و این است معنی قول حق تعالی: فسئل الذین یقرئون الكتاب من قبلک. (یونس، ۱۰/۹۴)<sup>۲۱</sup>

طبرسی در مجمع البیان این قول را از زهری با این مضمون که این آیه در آسمان در شب معراج نازل شده، آورده است. و در پی آن ادعا می کند که این قول را اصحاب ما از امام صادق<sup>(ع)</sup> هم نقل نموده اند.<sup>۲۲</sup>

در راستای گروه اول مفسران که خطاب در آیه ها را متوجه پیامبر<sup>(ص)</sup> می دانند، دو قول فرعی دیگر هم داریم که به عنوان یک نظر کلی دارای قائلانی نیست، بلکه در خلال تفاسیر به آنها دست یافتیم که بدان اشاره می کنیم:

اول: از تفاسیر بر می آید که برخی مانند زجاج، «إن» در آیه ۹۴ سوره یونس را نافی دانسته اند، بدان معنی که تو شک نیستی، بلکه برای ازدیاد بصیرت از اهل کتاب پرس. و دعوت در آیه برای ازدیاد یقین پیامبر<sup>(ص)</sup> است مانند داستان حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> که با معاینه احیاء موتی به یقین رسید.<sup>۲۳</sup>

بدین ترتیب افرادی مانند زجاج با نافی دانستن «إن» در آیه از ریشه، باب بحث و جدل را بسته اند و جایی برای طرح این اشکال که آیا شک بر ساحت پیامبر<sup>(ص)</sup> عارض می شود یا نه؟ باقی نگذاشتند.

### نقد سید مرتضی بر نافیہ بودن «إن»

سید مرتضی در *امالی* ذیل تأویل آیات محل بحث بیان می کند:

بعضی مفسران را یافته‌ام که «إن» آیه را جحد می‌دانند و تقدیر کلام این گونه می‌شود:

تو نسبت به آنچه بر تو نازل کردیم، در شک نیستی و شواهد آنان بر این قول عبارت است از:

۱. قالت لهم رسولهم إن نحن إلا بشر مثلكم. (ابراهیم، ۱۴/۱۱)

۲. إن أنت إلا نذیر. (فاطر، ۳۵/۲۳)

شکی نیست که لفظ «إن» در بعضی مواضع به معنی «ما» نافیہ می‌باشد، ولی در این موضع شایسته نیست که «إن» نافیہ باشد، چرا که جایز نیست خداوند بگوید: تو در شک نیستی نسبت به آنچه به سوی تو فرستادیم، پس از اهل کتاب بپرسی چون شخص عالم حاجتی به پرسش ندارد و آن کسی محتاج پرسش است که در شک باشد. ۲۴

دوم: برخی دیگر از مفسران در معنای شک، تصرف نموده و معتقدند شک، در آیه شریفه به معنای تنگی قلب است. قرطبی در تفسیرش این نظر را با قیل که صیغه تم ریضیه است و نشانگر ضعف قول است، می‌آورد و در توضیح نظر آنان می‌گوید:

شک، تنگی قلب است و معنی آیه چنین می‌شود: اگر قلب تو به واسطه کفر این مردم تنگ شده است، صبر کن و از اهل کتاب بپرس تا تو را از صبر انبیای پیشین برآزار قومشان و عاقبت کار آنها، با خبر سازند. ۲۵

### اقوال مفسران دسته دوم:

مفسران این طبقه، خطاب در آیه را عمومی دانسته و معتقدند همه مکلفین را شامل می‌شود، اعم از شاکین و غیر شاکین. و خطاب این چنینی را شیوه رایجی در عرف خطاب می‌دانند که سیره عقلاء هم بدان اخذ نموده‌اند.

از مهمترین قائلان این نظر می‌توان به صاحب *تفسیر المیزان* و *تفسیر من هدی القرآن* در شیعیه اشاره کرد، که نظرات آنان در ذیل ارائه می‌گردد.

محمد تقی مدرسی در *تفسیر من هدی القرآن* معتقد است:

خطاب های قرآنی واجب نیست که متوجه رسول خدا(ص) باشد چرا که قرآن کتاب خدا به سوی همه مردم است و لازم نیست هر چه در خطاب آیات دیدیم، آن را تأویل کنیم .

وی در ادامه به یکی از حقایقی که این آیات به ما می دهد، اشاره می کند و می گوید: شک و یقین دو عمل از اعمال بشر هستند که آنها را به طور ارادی اختیار می کنند و این به دلیل آنست که شک به سبب انعدام علم است و این امر برای بشر لازم و ضروری است و به دلیل ناتوانی بشر همواره همراه او بوده است . ولی گاه شک تابع هوی و هوس است و بسیاری از کسانی که در حقایق شک می کنند، تابع هوی و هوس می باشند و در شک خود اقرار گذشتگان خود را هم دارند و همین که از فکر منطقی بهره ای نبرده اند و جست و جوی آنها برای معرفت از منابع سالم نمی باشد و هم چنین این افراد از مسئولیت علم می ترسند، برای همین پروردگاران پیامبر(ص) را نهی نموده که یکی از افراد شک کننده باشد، چرا که شک از اعمال انسانی است .<sup>۲۶</sup>

علامه طباطبایی<sup>(ره)</sup> در تفسیر گران سنگ المیزان، شک در آیه ۹۴ سوره یونس را همان «ریب» می داند و آیه را این گونه معنا می کند:

ای پیامبر(ص) اگر تو نسبت به معارفی که به مبدأ و معاد بر می گردد و آن قصه هایی که اجمالاً درباره انبیاء که گویا سنت الهی جاری در میان امت ها بوده، برایت گفتیم، در شک هستی، از اهل کتاب که همواره در حال خواندن کتاب نازل شده از آسمان هستند، بپرس .

و قسم یاد می کنم حق از سوی پروردگارت به سوی تو آمده و از آنان که اهل تردید هستند، مباش .

وی معتقد است این کلام حق تعالی مستلزم وجود شک در قلب پیامبر(ص) نمی باشد، چرا که این خطاب عمومیت دارد و شامل شاکین و غیر شاکین می شود و این شیوه را شیوه رایجی در عرف خطاب و تفاهم می داند که سیره عقلاء هم بدان استناد کرده اند .

علامه کلام این آیات را به نوعی کنایه می داند و می گوید:

شیوه استدلال بر این روش است که در یک امر همه استدلال ها را بر اثبات آن امر



بیان نمی‌کنند، بلکه یکی از استدلال‌ها را آورده و در پی آن می‌گویند:

اگر شک داری و یا مطلوب را نمی‌یابی، استدلال‌های دیگری نیز در اثبات این مطلب وجود دارد و معنی کنایه در این آیات این است که حجت‌ها فراوان و پشت به پشت وجود دارد، به طوری که بیان بیش از یک مورد آن احتیاجی نیست. و تأویل کلام خداوند این‌گونه می‌شود. این معارف که خداوند برای تو تبیین کرده است، همراه با استدلال‌هایی است که عقل را ناچار به قبول می‌کند و خداوند همه این معارف را در کتابی که هیچ‌شکی در آن نیست، آورده است، و علاوه بر آنچه به عنوان حجت در آن آوردیم، در اینجا حجتی دیگر هم وجود دارد مبنی بر آنکه اهل کتاب که حق قرائت کتب آسمانی را وفا نموده‌اند، می‌دانند که در آن کتاب مطالبی از مبدأ و معاد است و اینکه هیچ‌امتی نیست مگر آنکه افراد آن در مصدق و مکذوب تقسیم می‌شوند.

وی آیه اولم یکن لهم آیه أن یعلمه علماء بنی اسرائیل . (شعراء، ۲۶/۱۹۷) را در راستای آیه ۹۴ سوره یونس در القای حجت و دلیل می‌داند.

علامه ذیل آیه ۹۵ سوره یونس می‌گوید:

در این آیه در درجه اول نهی از ارتیاب و شک و دودلی است. و در مرحله بعد نهی از تکذیب آیات الهی که همان عناد با حق و استکبار ورزیدن می‌باشد، بدان اضافه شده است. و قطعه پایان آیه فتکون من الخاسرین تفریع بر تکذیب الهی است و در واقع آنچه از آن نهی شده، همین خسران است.<sup>۲۷</sup>

#### بررسی اجمالی نظر دسته اول و دوم:

در دسته اول، افراد بالاتفاق خطاب را متوجه پیامبر (ص) دانسته‌اند و برای تبیین آن از طرق مختلف وارد شده‌اند، که تقریباً نظرات آنان با هم قابل جمع است و در واقع زوایای مختلف بحث را روشن می‌کند.

البته قابل ذکر است که دو قول اول در دسته اول، دارای استنادعرفی و ادبی بوده و قابل تأمل می‌باشد. اما نظر دسته دوم که در اصل و اساس با دسته اول متفاوت است، اظهار می‌دارد که خطاب در آیات عمومی بوده و همه مکلفین را شامل می‌شود. این دسته از یک منظر، از ظاهر آیه (ان کنت) دست برداشته‌اند. و خطاب مفرد در آیه را به خطاب

جمع تأویل می‌برند، ولی از سوی دیگر با واقع‌نگری پیرامون شک و اینکه از اعمال انسانی است، وارد تفسیر آیه شده‌اند، و تا حد زیادی به معنی حقیقی آیه نزدیک شده‌اند، در حالی که تأویلات دسته اول تا حدی انتزاعی بوده و عینی و واقعی نیست.

**بررسی موصول عام (ما) و موصول خاص (الذین) در آیه ۹۴ سوره یونس**  
در آیه ۹۴ سوره یونس دو موصول آمده که یکی موصول عام در **مما انزلنا الیک** می‌باشد و دیگر موصول خاص است که **(الذین) در فاسئل الذین یقرئون الكتاب من قبلک** می‌باشد. در اینجا به بررسی و شناخت متعلق این دو موصول می‌پردازیم، چرا که در فهم صحیح ما از آیه دخیل می‌باشد.

#### بررسی موصول عام (ما) در **مما انزلنا الیک**:

مفسرین در تفسیر «ما» به دو گروه تقسیم می‌شوند:

**الف:** عده‌ای از مفسرین مراد از «ما» را قصص می‌دانند.

ابی‌السعود در تفسیرش معتقد است: (ما) همان قصص است که از آن جمله می‌توان، قصه فرعون و قومش و اخبار بنی اسرائیل را بر شمرد.<sup>۲۸</sup>

آلوسی نیز به مانند ابی‌السعود معتقد است مراد از موصول (ما) قصص است و معنی آیه را چنین بیان می‌کند: اگر تو نسبت به قصه‌هایی که بر تو نازل شده، از جمله قصه فرعون و قومش و اخبار بنی اسرائیل، در شک هستی، از اهل کتاب پرس چون این امر نزد آنان محقق است و در کتابشان نیز مذکور است. وی در توضیح اینکه چرا در مراد موصول، فقط قصص را ذکر کرده نه دیگر احکام الهی را، می‌گوید:

احکام نازل شده بر پیامبر (ص) ناسخ احکام اهل کتاب و مخالف با احکام آنان

بوده، پس اینگونه تصور نمی‌شود که در مورد این احکام، پیامبر (ص) امر به

سؤال شده باشد، بلکه مراد پرسش از قصص است.<sup>۲۹</sup>

**ب:** برخی دیگر از مفسرین مراد از «ما» را معارف بنیادین می‌دانند.

از این دسته می‌توان به قول علامه طباطبایی<sup>(ره)</sup> در **المیزان** اشاره کرد که وی مراد از موصول در **مما انزلنا الیک** را همان معارفی می‌داند که به مبدء و معاد و سنت الهی در قضا بر امت‌ها بر می‌گردد.<sup>۳۰</sup>

به نظر می‌رسد نظر علامه طباطبایی<sup>(ره)</sup> به صواب نزدیکتر باشد چرا که سرچشمه معارف مربوط به مبدأ و معاد و سنن الهی در ادیان مختلف واحد است، لذا پیامبر (ص) امر شده که از این معارف مشترک بین دین خود و سایر ادیان بپرسد.

### بررسی موصول خاص (الذین) در آیه ۹۴ سوره یونس

پیرامون مراد آیه از الذین اقوال مختلف است، بعضی مفسران، اقوال مختلف را در تفسیر خود آورده و نظر خاصی پیرامون آن نمی‌دهند و برخی دیگر تنها نظر خویش را در این باره را ذکر می‌کنند.

سید مرتضی از دانشمندان بزرگ علوم قرآنی سه احتمال را پیرامون الذین مطرح می‌کند. الف: آنان که از اهل کتاب به سوی حق برگشته مؤمن شدند و هر کسی که مانند آنها از یهودیت به اسلام گرویده مانند کعب الاحبار و غیر اینها مؤمنینی، از اهل کفر و باطل، که صفات پیامبر (ص) و بشارت بدان را تصدیق نمی‌کردند.

ب: جماعت یهود اعم از کافران و ایمان آورندگان مراد است، آنان بدانچه که در کتب آنها در بشارت پیامبر (ص) وصف شده، آمده بود، تصدیق می‌کردند ولی ادعا می‌نمودند که مصداق آن غیر از پیامبر (ص) هستند. و خداوند به پیامبر (ص) می‌فرماید: اگر تو صفات را با صفات پیامبر بشارت داده شده، مقایسه کنی، در می‌یابی که پیامبر بشارت داده شده، تو هستی.

ج: پیامبر (ص) امر به پرسش از بشارت نسبت به خودش در کتب اهل کتاب نشده بود، چون آنها این مطلب را تصدیق نمی‌کردند، بلکه امر شده بود که از آنان پیرامون نکاتی که در آیه ۹۳ سوره یونس (آیه پیشین) آمد بپرس یعنی: و لقد بوأنا بنی اسرائیل مبعوثاً صدق و رزقناهم من الطیبات فما اختلفوا حتی جائهم العلم و بنی اسرائیل را در جایی درست ماوا دادیم، و از پاکیزه‌ها به آنان روزی بخشیدیم، و بنای اختلاف بنهادند مگر زمانی که خبر وحی به آنان رسید؛ بی‌گمان پروردگارت در روز قیامت در آنچه اختلاف ورزیده‌اند، بین آنان داوری خواهد کرد.

یعنی خداوند می‌گوید: اگر نسبت به آن نعمت‌هایی که به بنی اسرائیل داده‌ام، و در آیه قبل بدان اشاره شد، در شک هستی، از یهود بپرس، چون یهود آن را نفی نکرده، بلکه بدان اقرار داشته و به مقام آن افتخار می‌کنند.

سید مرتضی<sup>(ره)</sup> می گوید: وجه اخیر از حسن بصری است. ۳۱

آلوسی در تفسیر خود دو احتمال پیرامون **الذین** می آورد:

**الف:** ایمان نیاورندگان (کافران) از اهل کتاب مراد است؛ چون اخبار موافق آنها با آنچه که خدا بر پیامبر (ص) نازل نموده، به مقصود نزدیکتر است (یعنی چنانچه اخباری که آنها می دهند، با اخباری که پیامبر (ص) می دهد، موافق باشد، این دلیل بر صحت اخبار است).

**ب:** مومنین اهل کتاب مانند عبدالله بن سلام و تمیم داری، مراد است که قولی است که به «ابن عباس نسبت داده شده و از ضحاک و مجاهد هم نقل شده است. ۳۲

قرطبی در تفسیرش از قول مبرد و ثعلب مراد از **الذین** را یهودیانی می داند، که اسلام آورده اند یعنی عبدالله بن سلام و مانند او. و معنی کلام را این گونه بیان می کند:

رسول خدا (ص) کافران را فراخواند تا از کسانی که به زعم آنها آگاه ترند، پرسند، که آیا خداوند پس از موسی (ع) پیامبری فرستاد یا نه؟! ۳۳

در این میان محمد تقی مدرس از مفسران معاصر شیعی، تفسیر نسبتاً متفاوتی از موصول **الذین** ارائه داده است که قابل تأمل است:

وی معتقد است در آیه منظور این نیست که از رسول خدا (ص) و مؤمنان بخواهد که به سوی شخص مانند عبدالله بن سلام روند و از او پرسند، بلکه کسی که عارف به تاریخ رسولان است، مراد می باشد، یعنی مراجعه به خبره های تاریخ از هر طائفه ای و طبیعی است که سؤال از آنان حقایق قرآنی را تأیید می کند، البته به شرط وثاقت آنها. ۳۴

بر اساس اینکه سیاق آیات، پیرامون بنی اسرائیل و نعمت هایی که بدانها اعطاء شده، می باشد، به همین دلیل به نظر می رسد، احتمال سوم سید مرتضی به صواب نزدیک تر باشد. و شرط هماهنگی با سیاق را دارا باشد.

از سوی دیگر احتمالی که محمد تقی مدرس مطرح می کند به نوعی الگو برداری از محتوای کلام آیه است و ایشان در واقع یک اصل را از آیه برداشت می کند که در همه زمان ها و مکان ها صادق است.

### جمع بندی و نتیجه گیری

نظرات و روایات مختلف در ذیل آیات محل بحث با هم متعارض نیستند بلکه تقریباً متداخلند و هرکدام به جهتی از آیه، که روشنگر معنای آیه می باشد، پرداخته اند، و برای رسیدن به فهم صحیحی از معنای آیه می توان از هر یک از آن نظرات بهره برد. از دیرباز دانشمندان علوم قرآنی قواعدی را برای رسیدن به تفسیر صحیح آیات مورد توجه قرار داده اند که از آن جمله می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

#### الف: سازگاری با قواعد ادبیات عرب

ب: توجه به قرائن موجود و...

در این مجال با بهره گیری از بعضی از این قواعد، سعی در ارائه تأویلی صحیح از آیات، محل بحث داریم:

بر اساس قاعده اول که سازگاری با قواعد ادبیات عرب است؛ می توان گفت: در آیه ۹۴ سوره یونس از سیاق شرط استفاده شده است و با استناد به کلام ابی حیان اندلسی در تفسیرش «إن» شرطیه مقتضی تعلیق شیء بر شیء دیگر است و مستلزم حتمی بودن وقوع آن شیء و یا امکان وجودی آن شیء نیست بلکه گاه پیش می آید که شرط، مستلزم امر محال گردد.

بر اساس قاعده دوم که توجه به قرائن موجود است، می توان به قرائنی اخذ نمود از جمله:

#### الف: قرینه منفصل لفظی

قرینه منفصل لفظی، که همان روایات موجود در ذیل آیات می باشد و تا حدود زیادی زوایای مختلف آیات را آشکار می کند. که این قرائن بیشتر در تفاسیر روایی یافت می شود و ما نیز در پژوهش حاضر از آنها بهره برده و مقداری از آن را ارائه نمودیم. که این روایات بعد از بررسی سندی و اثبات صحت سند آنها، تا حدود زیادی تعیین کننده معنای آیات می باشد.

#### ب: قرینه ویژگی مخاطب کلام

قرینه ویژگی های مخاطب کلام، از قرائن بسیار مهمی است که در کلام باید مورد توجه قرار گیرد.





از اموری که در محاورات عرفی قرینه سخن است و در دلالت الفاظ تأثیر می‌گذارد، آن دسته از ویژگی‌های مخاطب کلام است که گوینده سخن از آن ویژگی‌ها اطلاع کافی دارد؛ زیرا گوینده آگاه به ویژگی‌های مخاطب، از سخن خود، معانی ناسازگار با آن ویژگی‌ها را اراده نمی‌کند؛ پس اگر سخن وی با قطع نظر از ویژگی‌های مخاطب، در معانی ظهور داشته باشد که با آن ویژگی‌ها سازگار نیست، با توجه به آن ویژگی‌ها، یا ظهور مزبور از بین رفته، و سخن، در معنای مناسب با آن ویژگی‌ها ظهور پیدا می‌کند و یا دست کم پی می‌بریم که ظهور مراد گوینده نیست.

از آنجا که قرآن بر مبنای اصول عقلایی محاوره، سخن گفته، نتیجه می‌گیریم که در قرآن نیز ویژگی‌های مخاطب، قرینه کلام است و از جمله آیاتی که تأثیر این قرینه در آنها به خوبی نمایان است، آیاتی است که در آنها به ظاهر، پیامبر اکرم (ص) با لحن عتاب آمیز یا تهدید کننده مورد خطاب واقع شده است؛ زیرا با توجه به معصوم بودن آن حضرت و منزلت والای وی در پیشگاه خدای متعال و ناسازگاری آن با اینکه از وی کاری سرزند که شایسته عتاب یا تهدید باشد، روشن می‌شود که خطاب در این دسته از آیات از باب ایاک اعنی و اسمعی یا جاره است. و عتاب متوجه دیگران است و برای تأثیر گذاری بیشتر یا به دلایل دیگر، آن حضرت مورد خطاب قرار گرفته است. انطباق این اصل در آیات یاد شده، گذشته از آن که با اصول عقلایی محاوره مطابقت دارد، در روایات متعددی نیز با صراحت بیان شده است. ۳۵

از جمله روایاتی که موید این کلام است، حدیث صحیحی است که در اصول کافی آمده و به گونه ای فصل الخطاب کلام در این زمینه است:

محمد بن یحیی، عن ابی عبدالله بن محمد بن علی بن الحکم، عن عبدالله بن بکیر، عن ابی عبدالله (ع) قال: نزل القرآن بایاک اعنی و اسمعی یا جاره. ۳۶

بر اساس آنچه در جمع بندی گذشت، نتیجه می‌گیریم:

**اولا:** بر اساس این قاعده ادبی که سیاق شرط محقق الوقوع نیست بلکه در حالتی انتزاعی بیان می‌کند که اگر این شرط روی دهد، جزای آن حتما چنین خواهد بود. پس برای صحیح بودن سیاق شرط در کلام حق تعالی ضروری نیست که به طور قطع شک از سوی پیامبر (ص) اتفاق افتاده باشد، بلکه آیات محل بحث از مواردی است که تحقیق

شرط در آن محال است. و علاوه بر این قاعده ادبی که وقوع شک از پیامبر (ص) را نفی می‌کند یکی از اصول بنیادین مسلمانان، عصمت انبیاء است که با وقوع شک از آنها سازگاری ندارد.

ثانیا: بر اساس حدیث صحیحی که از امام صادق (ع) در کافی آمده، بدین نتیجه می‌رسیم که قرآن به سبک «ایاک اعنی و اسمعی یا جاره» نازل گشته است تا در راستای اهداف قرآن بیشترین تأثیر گذاری را بر مخاطبان خود داشته باشد، چرا که پیامبر (ص) به چشمه زلال وحی متصل بوده و همه اعمالش تجلی خواست الهی بوده است و در واقع قرآن کریم برای راهبرد مسلمانان به سوی حق و حقیقت نازل گشته است نه آنکه پیامبر (ص) را به سوی حق رهنمون باشد.

و به حق می‌توان در این جایگاه به کلام علامه طباطبایی (ره) اشاره کرد که فرمودند: تأویل کلام حق تعالی در این آیات این است که این معارفی که خداوند برای تو تبیین کرده است، همراه با استدلالهایی است که عقل را ناچار به قبول می‌کند. از آنچه گذشت آشکار گشت که بحث این آیات بسی فراتر از وقوع شک و ریب از پیامبر (ص) پیرامون آنچه بر او نازل شده، می‌باشد، بلکه یکی از شیوه‌های متقن استدلال بر حقانیت معارف الهی است که به زیباترین نحو و در کوتاه‌ترین بیان به تصویر کشیده شده است.

هم چنین بر اساس معنی شناسی شک و مرية که در ابتدا گذشت، می‌توان گفت: مراد خداوند این است که ای پیامبر (ص)! اگر در میان رشته علم امت تو به قرآن، پارگی و خللی ایجاد شده و در شک و یقین سرگردانند، بدان‌ها بگو، در استدلال‌هایی که همراه با معارف الهی عرضه گردیده، تأمل نمایند تا به یقین برسند.

۱. ابن منظور، لسان العرب؛ ۱ / ۴۵۱ - ۴۵۳، با تلخیص، چاپ سوم، بیروت، دارالصادر، ۱۴۱۴ ق؛ فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ۵ / ۲۷۶، چاپ دوم، تهران، انتشارات مرتضوی، ۱۳۶۵ ش.
۲. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ۵ / ۲۷۱، چاپ دوم، قم، دار الهجرة ۱۴۱۴ ق.
۳. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۴۶۱، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، چاپ اول، قم، طلیعة نور، ۱۴۲۶ ق.
۴. العین، ۸ / ۳۰۸.
۵. مفردات الفاظ القرآن / ۷۶۶.

۶. لسان العرب، ۱۵ / ۲۷۷.
۷. خرمشاهی، ترجمه قرآن.
۸. ملا محسن فیض کاشانی، صافی، ۲ / ۴۱۹، چاپ اول، مشهد، دار المرتضی، بی تا.
۹. حویزی، نور الثقلین، ۲ / ۳۱۹ - ۳۲۰، چاپ دوم، قم، انتشارات علمی، بی تا؛ عیاشی، تفسیر عیاشی، ۲ / ۱۲۸، بی جا، تهران کتابفروشی علمی اسلامی، بی تا.
۱۰. ابن عطیه محاربی، المحرر الوجیز، ۳ / ۳۸۸، نسخه سی دی (مکتبه التفسیر و علوم القرآن الجديدة).
۱۱. ماوردی، النکت و العیون، ۲ / ۱۸۳، از نسخه سی دی (مکتبه التفسیر و علوم القرآن الجديدة).
۱۲. قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۸ / ۳۸۲، تحقیق: ابواسحاق ابراهیم اطفیش، بی جا، بیروت، داراحیاء تراث عربی، بی تا.
۱۳. ثعالبی، الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، ۲ / ۲۱۲، از نسخه سی دی (مکتبه التفسیر و علوم القرآن الجديدة).
۱۴. ابی حیان اندلسی، البحر المحیط، ۵ / ۱۹۰ - ۱۹۱، بی جا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۱ م.
۱۵. ابی السعود، ارشاد العقل السلیم الی مزایا الكتاب الکریم، ۳ / ۳۰۵، از نسخه سی دی (مکتبه التفسیر و علوم القرآن الجديدة).
۱۶. فخر رازی، تفسیر الکبیر، ۱۷ / ۱۵۹ - ۱۶۳، با تلخیص چاپ اول، بی جا، بی تا (نسخه قدیمی).
۱۷. آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ۸ / ۱۱۹ - ۱۲۱. از نسخه سی دی (مکتبه التفسیر و علوم القرآن الجديدة).
۱۸. طبرسی، مجمع البیان، ۵ / ۳۲۹، چاپ اول، تهران، چاپ اسوه، ۱۴۲۶ ق.
۱۹. تفسیر الکبیر، ۱۷ / ۱۶۰.
۲۰. بیضاوی، انوار التنزیل، ۲ / ۲۴۶ - ۲۴۷، چاپ اول، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۰ ق.
۲۱. ابوالقاسم کوفی، تفسیر فرات کوفی، ۱ / ۱۸۱، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۲۲. مجمع البیان، ۵ / ۳۲۹.
۲۳. همان / ۳۲۸؛ تفسیر الکبیر، ۱۷ / ۱۶۱.
۲۴. شریف مرتضی، امالی المرتضی، ۲ / ۳۸۲ - ۳۸۳، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دارالفکر العربی، ۱۹۹۸ م.
۲۵. الجامع لاحکام القرآن، ۸ / ۳۸۲.
۲۶. محمد تقی مدرس، من هدی القرآن، ۴ / ۴۵۱ - ۴۵۴ با تلخیص؛ چاپ اول، انتشارات مدرس، ۱۴۰۶ ق.
۲۷. محمد حسین، طباطبائی، المیزان، ۱۰ / ۱۱۶ - ۱۱۹ با تلخیص؛ چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۲۲ ق.
۲۸. ارشاد العقل السلیم الی مزایا الكتاب الکریم، ۳ / ۳۰۵.
۲۹. روح المعانی، ۸ / ۱۱۹.
۳۰. المیزان، ۱۰ / ۱۱۶.
۳۱. امالی المرتضی، ۲ / ۳۸۳.
۳۲. روح المعانی، ۸ / ۱۲۰.
۳۳. الجامع لاحکام القرآن، ۸ / ۳۸۲.
۳۴. من هدی القرآن، ۴ / ۴۵۱.
۳۵. علی اکبر بابائی، روش شناسی تفسیر قرآن / ۱۷۱ - ۱۷۲، چاپ اول، تهران، پژوهشکده حوزه و دانشگاه (سمت) ۱۳۷۹ ش.
۳۶. کلینی، اصول کافی، ۶ / ۴۷، ترجمه و شرح محمد باقر کمره ای، چاپ سوم، تهران، چاپ اسوه، ۱۳۷۵ ش.